

بازارهایی که خاطره شدند



نمایی از بازار بزرگ مشهد که دارای سرا و تیمچه‌های مختلفی بوده است



سرای ملک در بالاخیابان



کاروانسرای وزیر نظام، مشهد، دوره پهلوی دوم

ما نزدیک می‌شود. درباره ارتباط این دو با هم باید گفت تیمچه‌ها محلی برای فعالیت اقتصادی بودند که در سال ۱۳۱۸ خورشیدی فرهنگستان زبان فارسی نام پاساز را بر آن گذاشت تا این معنا به واژگان زبان فارسی

از تیمچه‌های مشهد در این بازار حیات داشته‌اند، برای نمونه، بلورفروش های مشهد گرد هم در یکی از این تیمچه‌ها فعالیت می‌کردند.رکن الدوله در زمان والیگردی خود، این بازار کوچک را که به «تیمچه امام جمعه» شهرت داشت، از صاحبان آن به مبلغ ۶ هزار و ۵۰۰ تومان خرید و درازای دریافت مبلغ ۶ هزار تومان، تمام حقوق خود را به آستان قدس رضوی واگذار کرد. تیمچه شال فروشان نیز در بازار بزرگ خاوش کرده بود. شیخ فریدون خان شیخ مؤمن، آن را برای خوردوخوراک خدمه مسجد گوهرشاد وقف کرده بود و مسئولیت آن را پس از خودش به فرزندانش سپرد.

تیمچه معاونیان در این راسته نیز به معاون الصنائع تعلق داشت. سه دانگ از تیمچه محمدجعفر صراف، در بازار بزرگ دم قیصریه، متعلق به محمد حسن سراپدارتجد بود.حاج عبدالرحیم وهاب زاده‌نیزمالک تیمچه رحیمیه درکوچه گندم آبادبود که درشمال آن، سرای حاج غلامرضا بلورپان و درجنوبش کاروان سرای حاج سیدمهدی قرار داشت. سیدمهدی مهدویان نیز یک تیمچه در همین کوچه داشت. تیمچه رجب سوهانچی در بازار سرشور بود و تیمچه حاج غلامرضا ضابط و تیمچه سیگاری نیز بخش دیگری از بازار بزرگ را به خود اختصاص داده بودند.

تیمچه‌های پایین خیابان وعیدگاه تعداد زیادی از تیمچه‌های مشهد در مسیر پایین خیابان وعیدگاه قرار داشتند. تیمچه مشیرالدوله راییجی خان مشیرالدوله، سال ۱۳۰۳قمری در پایین خیابان، کوچه علی خان، ساخت. همچنین تیمچه حاج محمد حسن سراپدارتجد د و تیمچه حاج غلامعلی یزدی در پایین خیابان، نزدیک دروازه، تیمچه حاجیه طلعت خاتم اعتماد رضایی درکوچه علی خان و بالاخره تیمچه حاج محمدجواد احمدیان در کوچه باغ حسن خان قرار داشت. از دیگر تیمچه های این راسته، تیمچه حضرتی بود که با هفت دکان توتون فروشی، عطاری، سقط فروشی، زوارکشی، گیوه فروشی، قهوه چی وسبزی فروشی یک پاساژ کوچک راتشکیل می داد. در عیدگاه نیز تیمچه سیگاری درکوچه حسام الدین،تیمچه حاج علی اصغر خرازی صفرا دگان مقدم و تیمچه میرزا ابو الفضل کمال نیا درکوچه عباسقلی خان ساخته شده بودند. همچنین تیمچه مشهور چیت‌گران در محله عیدگاه و در همسایگی تیمچه موقوفه تقی الدین رضوی بود. درکنار این ها، بازار زرگرها که بازاری کوچک قدیمی بود، به صورت دالانی کوتاه در مجاورت بست پایین خیابان قرار داشت واز طریق سه راه به صحن کهنه، صحن نو و بست پایین خیابان متصل می شد. بخشی از این

- تیمچه‌های ایران

تیمچه از نظر لغوی به معنای «کاروان سرای کوچک» یا «سرایي دارای چند دکان» است که تاجران در آن دادوستد می‌کنند. این سازه معمولاً شامل یک حیاط میانی و حجره‌ها یا دکان‌های مختلف در یک یا چند طبقه است که یک یا چند طاق مرتفع بر روی حیاط مرکزی دارد. درواقع، این مفهوم به یک بازار کوچک یا چند تجارت‌خانه مشابه است که در آن متمرکز شده‌اند تا به کاروکسبشان بپردازند. از تیمچه‌های معروفی که اکنون به یکی از اهداف گردشگری تبدیل شده‌اند، می‌توان به تیمچه مظفریه در تبریز، تیمچه حاجب الدوله در تهران و تیمچه امین الدوله در کاشان اشاره کرد؛ یادگارهایی از دوره صفویه و قاجار که ۲۴ سازه از آن‌ها ثبت ملی شده است.

تیمچه‌های امیر، مظفریه، حاج محمدقلی، حاج صفرعلی و حاج ملک در تبریز، تیمچه امین الدوله، برقی، ملک، نخچیان، عتیقه فروش ها، قزوینی ها، ارباب، مشکي، سلیم، حاج محمدتقی و صباغ در اصفهان، تیمچه اکبریان در تهران، تیمچه ناسار در سمنان، صرافیان در استان فارس، تیمچه سرباز و سربوشیده در قزوین، تیمچه بزرگ قم و تیمچه‌های وکیل وهراتی در ریزد، از این دست هستند و جای خودشان را در فهرست آثار ملی ایران باز کرده‌اند.

مشهد نیز باید در این فهرست قرار می‌داشت و یک فهرست بلندبالا از تیمچه‌ها و راسته بازارهای آن اکنون در میان آثار ماندگار ایران می‌درخشید و با شهر اصفهان از این نظر رقابت می‌کرد. اما همان طور که می‌دانیم، چنین نیست و بسیاری از بازارها و تیمچه‌های کهن این شهر در طرح‌های توسعه اطراف حرم مطهر رضوی قم و تلی از خاک تبدیل شده‌اند تا اکنون فقط یک نام از آن‌ها برای ما باقی بماند.

اسناد باقی مانده نشان می‌دهد که در مشهد، تیمچه‌ها بیشتر در بازارها و بازارچه‌های اطراف حرم قرار داشته‌اند و بیشتر عده فروشان در آن تجارت می‌کرده‌اند. نام‌گذاری آن‌ها نیز بسته به وجود یک حرفه یا حضور یک شخص سرشناس بوده است. مهم‌ترین تیمچه‌های مشهد در دوره قاجار و پهلوی، تیمچه‌های چیت‌گران، الیاس خان، حکاکان، بانی، ضرابخانه، امام جمعه، خفافان، وزیرنظام، قتلگاه و بلورفروشان بودند.

همچنین اگر بخواهیم این تیمچه‌ها را بر اساس محوری که در آن قرار داشتند دسته‌بندی کنیم، باید به سراغ تیمچه‌های قرارگرفته در فلکه حضرت، بازار بزرگ، پایین خیابان، عیدگاه و خیابان علیا برویم.

تکیه بکتاشی‌ها در قبرستان قتلگاه

سید|ا تصویری که می‌بینید، «هانری رنه دالمانی»، سیاح و تاریخ‌نگار فرانسوی، سال ۱۸۹۹ در سفرش به ایران، از قبرستان قتلگاه مشهد ثبت کرده است. این قبرستان با قدمت ۱۲۰۰ سال، قدیمی‌ترین گورستان مشهد بوده است که سال ۱۳۰۷ خورشیدی در طرح ساخت فلکه حضرتی برای همیشه ویران شد، اما موضوع این عکس، قبرستان قتلگاه نیست، بلکه دو بنای گنبدی شکلی است که در آن قرار دارد و گویا یکی به «تکیه بکتاشی‌ها و دیگری به «مسجد امام رضا^ع» معروف بوده است.

اعتماد السلطنه، سیاستمدار عصر قاجار، سال ۱۳۰۰قمری به وقت بازدید از این دو بنا، درباره آن‌ها چنین نوشته است: «در وسط قبرستان، خانه‌ای است معروف به تکیه بکتاشی‌ها و می‌گویند که آنجا همان خانه حمیدبن قطبیه، والی خراسان، بوده که حضرت رضا^ع هم وقت هجرت به مشهد در آنجا منزل داشته است.»

او در ادامه چنین توضیح می‌دهد: «در مسجدی که در گورستان قتلگاه وجود داشته و به مسجد امام رضا^ع معروف بوده، بر کتیبه‌ای نوشته‌اند: "در زمان پادشاه جمجاه مروج مذهب اثنی عشر صلوات…

فتو
مشهد

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صدوسی و پنجم)

سرگذشت شکل گرفتن مدارس علمیه مشهد (بخش نهم)



کلاس درس در مدرسه علمیه باقریه دوره پهلوی اول

مرضیه ترابی| در قسمت پیش گفتیم که حجه مغولان اسباب نابودی اقتصاد و فرهنگ رادر سرزمین ایران و به ویژه منطقه خراسان فراهم کرد، اما در دوره ایلخانی بارگشت ثبات نسبی باعث شد که ساخت وسازها رونق بگیرد و فضای آموزشی در مشهد تا حدودی احیا شود. اواخر دوره ایلخانی و در پی آغاز نهضت سربه‌داران، شهر مشهد نخستین‌بار تحت حاکمیت یک دولت شیعی قرار گرفت. سربه‌داران به عنوان دولتی با اعتقادات شیعی و رهبری علمای این مذهب، توانستند دیگر مدعیان را از منطقه جنوب کوه‌های هزارمسجد تا حدود تربت حیدریه امروزی برانند و برای مدتی اندک حکومتی بر پایه اعتقادات خود بنا نهند که اتفاقاً مورد توجه علمای بزرگ آن زمان همچون محمدبن جمال الدین مکی عاملی مشهور به شهید اول قرار گرفت و او کتاب مشهور «لمعه دمشقی» را به عنوان مرجعی برای احکام فقهی مورد نیاز حکومت سربه‌داران به رشته تحریر درآورد و به خراسان فرستاد. تاجایی که می‌دانیم و شواهد تاریخی و میدانی نشان می‌دهد، سربه‌داران در این دوره اداره حرم رضوی و شهر مشهد را برعهده گرفتند. اندک آثار تزیینی آن‌ها در حرم رضوی گواهی بر این مدعاست که ما در سلسله یادداشت‌های ستون مشهدیات با عصر احیای حلقه‌های درس شیعی در حرم رضوی و شهر مشهد مصادف بود و به همین دلیل اصلاً بعید نیست که در همین دوره سنگ‌بنای برخی مدارس گذاشته شده و تعدادی دیگر از آن‌ها که به مرور زمان دچار آسیب و تخریب شده بودند، احیا شدند. این رویکرد البته به معنای حذف مدارس دیگر مذاهب اسلامی در شهر مشهد نبود. هم‌زیستی و رویکردهای تقریبی (البته نه در مفهوم بزرگ و امروزی آن) باعث می‌شد ساکنان مشهد خود را مجموعه‌ای واحد با سرنوشت یکسان احساس کنند. مدیریت سادات رضوی که در این زمان تسلط آن‌ها بر اداره شهر و به ویژه حرم مطهر تثبیت شده بود، باعث برقراری آرامش می‌شد و مسیر را برای توسعه مدارس علمیه هموار می‌کرد. بعید نیست که در همین دوره مسئولیت‌های آموزشی در نهاد اداری آستان قدس رضوی تعریف شده و هر چند به صورت مختصر، تدریس فقه و قرآن در حرم مطهر مورد توجه قرار گرفته باشد. در هر حال، این وضعیت تا سقوط سربه‌داران در عهد خواجه‌علی مؤید، آخرین امیر سربه‌داری و تسلیم وی به تیمورلنگ ادامه یافت و ظرفیتی مناسب را برای تداوم چنین فعالیت‌هایی در ادوار تاریخی بعد پدید آورد. با پایان یافتن دوران قتل و غارت تیمور که در قالب یورش‌های سه، پنج و هفت‌ساله سازمان‌دهی شد و تقریباً چیزی از تمدن در فضای اصلی فلات ایران باقی نگذاشت، مشهد با تکیه بر ذخایری که در دوره‌های پیشین گردآورده بود، به احیا و بازسازی نهادهای آموزشی خود پرداخت و چنان‌که در قسمت‌های بعد توضیح خواهیم داد، نخستین مدارس علمیه شناخته‌شده و پایدار، در تاریخ شهر ما در همین دوره ساخته و فعال شدند.

ادامه دارد...

مشهد
قدیم

کرایه چرخ بی‌گلگیر و دینام



اردلان| در دهه ۴۰ قرن گذشته که گویا هنوز وسایل نقلیه‌ای مانند دوچرخه نیز چندان در دسترس عموم قرار نداشته، دوچرخه‌سازی، دوچرخه‌ای کهنه را تعمیر می‌کند و در میدان اعدام کرایه می‌دهد، طوری‌که هر کسی می‌توانسته است با دادن یک قرآن، سوار دوچرخه شود و با آن چند دور بزند. مرحوم رضا افضلی در کتاب «منظومه مشهدی‌های قدیمی» که برگرفته از خاطرات خود او در این شهر است، ابیات زیر را در این باره سروده است:

میسر گشته در میدان اعدام
کرایه چرخ بی‌گلگیر و دینام
زدن در گرد میدان، دور و فی‌الفور
دوچرخه‌ساز را دیدن به هر دور
گهی با ضامن و با آشنایی
ز میدان، ساعتی کردن جدایی
ز پول جیب با چرخ کرایه
گذر از تور پهن نور و سایه
گهی بیگانه از فن سواری
فتادن زیر یک استاده گاری
به خرج سکه‌های یک ریالی
زدن دوری به اطراف حوالی
برای خودنمایی، دادن پز
زدن زنگ و کشیدن جفت ترمز
سقوط روی سنگ و بستر خاک
رسیدن بی‌لباس و دست‌وپا چاک
هراسی پنچری در راه و افسوس
که چسب و وصله باید بود و ناسوس
به تحویل دوچرخه طفل، ترسان
ز بیم دیرکرد و وجه تاوان
ز دشت روز با «مهدی» و «آرام»
به بازی بر شدن تا قله شام

منابع:
کتاب «تاریخ اقتصادی مشهد»، نوشته علی نجف‌زاده، مقاله «بررسی تناسبات حاکم بر تیمچه‌های ایران در زمان قاجار»، استاد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.